

تحلیل ویژگی‌های زبانی افراد کلاهدردار

مطالعه موردی استان سمنان

حسین رضویان^۱

دانشگاه سمنان

مریم جلیلی دوآب^۲

کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سمنان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵ / ۰۲/۱۰

چکیده

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به ویژگی‌های گفتاری متهمان کلاهدرداری از منظر زبان‌شناسی حقوقی می‌پردازد. کلاهدرداری جرمی است که زبان نقش محوری در شکل‌گیری آن ایفا می‌کند. نگارندگان با تحلیل زبان‌شناختی گفتار دو پرونده کلاهدرداری موجود در دادگستری استان سمنان، سعی دارند گفتار این متهمان را از مراحل نخست بازجویی تا بازپرسی و دادگاه، از منظر زبان‌شناسی حقوقی، توصیف و تبیین کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که داشتن دانش پس‌زمینه‌ای و رعایت اصل ادب از ویژگی‌های اصلی و ثابت گفتار این گروه از مجرمان است. همچنین بررسی داده‌های پژوهش بیانگر آن است که این افراد از میان اصول عملکرد دوستانه، امید واهی دادن، رفتار متناسب با گفتار، اصل توجیه، تهدید غیرمستقیم، شیوه‌های مختلف اقتناع، توجه به بافت مذهبی، اصول برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و شگردهایی از این دست، مناسب با بافت و موقعیت کلاهدرداری، استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی حقوقی، جرم زبانی، کلاهدرداری، دانش پس‌زمینه‌ای، اصل ادب، اقتناع.

1. razavian@semnan.ac.ir

2. maryam_jalili78@yahoo.com

۱- مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی^۱ زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی^۲ است که با هدف‌های حقوقی موجود در نظام قضایی، هم‌راستا شده است. این علم نوپا به استفاده از تمام شاخه‌های زبان‌شناسی، از جمله آواشناسی، معناشناسی و گفتمان تأکید می‌کند. «در این رشته نوین، حقوق میزبان زبان می‌شود و از آن سود می‌برد» (تولان، ۲۰۰۹). این علم به تعامل بین زبان و قانون می‌پردازد و در مواردی، از قبیل بررسی نامه‌های تهدیدآمیز، شناسایی مؤلف واقعی در سرقت‌های ادبی و شناسایی مجرم در جرائم اینترنتی، نیازمند تحلیل جدی و زبان‌شناختی از سوی زبان‌شناس است (تولان، ۲۰۰۹ به نقل از مؤمنی، ۱۳۹۰: ۴).

جرم یک مفهوم حقوقی است و به رفتاری اطلاق می‌شود که تحت قوانین جزایی، مشمول تنبیه می‌شود (پرینس^۳، ۱۹۹۰: ۳). یکی از جرائمی که در همه کشورها رخ می‌دهد، جرم زبانی است از قبیل دروغ، ارتشا^۴، سرقت ادبی، توهین، تهدید^۵، ناسزا^۶، فریب در ازدواج^۷، ربا^۸، تبلیغ خلاف واقع^۹، نامه‌های تهدیدآمیز^{۱۰}، تحریک به اغتشاش، نامه‌های آدم‌ربایی^{۱۱}، نسبت ناروا (قذف)^{۱۲} و شهادت دروغ (عزیزی و مؤمنی، ۱۳۹۱: ۴۰). یکی از جرائم کیفری که در قالب زبان اتفاق می‌افتد و عامل اصلی آن زبان است، کلاهبرداری^{۱۳} است. به گفته شامبیاتی (۱۳۷۵: ۱۶۲) «کلاهبردار^{۱۴} کسی است که با انجام اعمال متقلبانه جلب اعتماد دیگران را فراهم می‌کند و برحسب اعتماد حاصله موجب اغفال طرف می‌شود و از این راه مال دیگری را تحصیل می‌کند و می‌برد؛ بنابراین در انجام اعمال متقلبانه مسئله جلب اعتماد، اغفال، اخذ مال و نهایتاً بردن مال باید تحقق یابد تا کلاهبرداری واقع شود». به گفته تولان^{۱۵} (۲۰۰۹)، بازجویی پلیس از مواردی است که نیازمند علم زبان‌شناسی است. بازجویی یعنی قدرت جمع‌آوری و اخذ اطلاعات صحیح و قابل‌اعتماد از راه سؤال کردن و قدرت ارزیابی اطلاعات کسب‌شده، جدا کردن و تشخیص حقیقت از دروغ (بیابانی و هادیان فر، ۱۳۸۴: ۵۹۹ و ۱۰۴).

1. Forensic Linguistics

2. Applied Linguistics

3. E. F. Prince

4. bribery

5. Threatening

6. foul language/ scurrility

7. deceiving in marriage

8. unlawful profit/ usury

9. fake advertisement

10. threatening letter

11. kidnapping letter

12. false accusation of sexual intercourse

13. fraud

14. swindler

15. M. Toolan

این شاخه نوین علمی با مقاله آفاگل‌زاده (۱۳۸۴) در ایران معرفی شد و در طی این ۱۳ و ۱۴ سال بیش از ۲۰ پایان‌نامه و رساله و ۶۰ مقاله در بخش‌های مختلف زبان‌شناسی حقوقی تألیف شده است که برخی از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آن‌ها با پژوهش حاضر در ادامه آمده است: عزیزی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود به نقش راهبردهای کاربردشناسی زبان در کشف جرم می‌پردازد. ایشان سعی می‌کند از طریق زبان‌شناسی حقوقی، رویکردی جدید به فرایند بازجویی در کشف جرائم داشته باشد. وی تلاش می‌کند که نشان دهد چگونه می‌توان با کمک راهبردهای زبان‌شناختی، از جمله روابط پیش‌فرض، استلزام، تلویح، اصول همکاری گرایس و... در کشف جرم مؤثرتر و حرفه‌ای‌تر عمل کرد. نتیجه حاصل از این پژوهش این است که زبان‌شناسی حقوقی در بسیاری از علوم و از جمله علوم پلیسی راه یافته است. به علاوه، بازجویان پلیس و بازپرسان محاکم قضایی که آگاهانه یا ناآگاهانه از این راهبردهای زبان‌شناختی استفاده می‌کنند، سریع‌تر به نتیجه مطلوب می‌رسند.

مؤمنی (۲۰۱۲) به کلاهبرداری به‌عنوان یک جرم زبانی در سیستم قضایی می‌پردازد و کلاهبرداری را نوعی از جرم می‌داند که زبان، نقش اصلی را در شکل‌گیری آن ایفا می‌کند. از منظر حقوقی، سه عنصر ابزارهای متقلبانه برای فریب قربانی، اغفال قربانی و بردن مال قربانی باید اتفاق بیفتد تا کلاهبرداری صورت گیرد. وی با بررسی بیست پرونده، یک چارچوب مفهومی ۶ مؤلفه‌ای برای کلاهبرداری معرفی می‌کند. استفاده از جملات کاملاً رسمی و دستوری، جملات متناسب با حوزه کلاهبرداری (جملات کلیشه‌ای)، واژه‌های متناسب با حوزه کلاهبرداری (واژگان صنفی مناسب)، رعایت اصل ادب، اصرار نداشتن برای متقاعدسازی طرف مقابل و بافت فیزیکی متناسب با حوزه کلاهبرداری را از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های وقوع این جرم می‌داند.

پژوهش‌های متعددی در این زمینه در میان آثار پژوهشگران غیر ایرانی وجود دارد که در ادامه به معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

پورتر^۱ و یولی^۲ (۱۹۹۵) به تحلیل زبان نیرنگ در قالب فریب‌های زبانی موجود در بافت بازجویی‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش به تجزیه و تحلیل درستی سخن، کشف و بررسی حقیقت و

همچنین بررسی تنوع لغوی می‌پردازد. داده‌های این پژوهش متن‌های حاصل از بازجویی افراد بوده است. نتایج نشان می‌دهد که به‌منظور کشف اظهارات دروغین، از نمونه‌های متعددی باید استفاده شود تا مدارک و علائم معتبری در زمینه بازجویی یافت شود.

اگینگتون^۱ (۲۰۰۸) به بررسی مشخصه‌های تعیین‌کننده فریب و کلاهبرداری می‌پردازد. وی تلاش کرده است تا تعریفی برای فریب و کلاهبرداری و سازوکارهای تشخیص آن ارائه دهد و به نهادهای قضایی در تشخیص این مسئله کمک کند. وی کلاهبرداری را به‌کارگیری فریب مجرمانه برای منافع شخصی می‌داند. اگینگتون پس از تعریف فریب و کلاهبرداری از منظر زبان‌شناسی حقوقی، به دنبال کشف عناصر زبانی فریب و کلاهبرداری است تا نشان دهد چگونه از علم زبان‌شناسی در تشخیص فریب و کلاهبرداری استفاده می‌شود. نگارنده نتیجه می‌گیرد که با استفاده از علم زبان‌شناسی می‌توان زبان فریب و نیرنگ را تشخیص داد.

۲- مبانی نظری

در این بخش به‌منظور تحلیل گفتار فریب‌آمیز کلاهبرداری به مفاهیم و اصطلاحات زبان‌شناسی موردنیاز می‌پردازیم.

۲-۱- بافت و انواع آن

یکی از ابزارهای رایج و مهم در تفسیر و تحلیل متن بافت است. عمدتاً بافت به محیط یا شرایطی اطلاق می‌شود که زبان در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش بافت آنقدر مهم است که بسیاری از تحلیلگران کلام معتقدند معنای واژگان در بافت معلوم می‌شود. کاتینگ^۲ (۲۰۰۲):

(۲) معتقد است تحلیلگران با تکیه بر بخش‌های معنا که حاصل دانش دنیای فیزیکی و اجتماعی، عوامل روانی- اجتماعی است و همچنین دانش در مورد زمان و مکانی که واژگان در آن تولید شده‌اند، متون مختلف را تفسیر می‌کنند.

کاتینگ (۲۰۰۲: ۳-۹) به سه نوع بافت اشاره می‌کند:

1. W. G. Egginton
2. J. Cutting

۲-۱-۱- بافت موقعیتی: بافت موقعیتی^۱ حضور بلافصل و فیزیکی است؛ یعنی موقعیتی است که در آن تعامل در زمان گفتگو رخ داده است؛ به عبارت دیگر، بافت موقعیتی دانش گویندگان در مورد چیزی است که در اطراف خود می‌بینند. به‌طور مثال می‌توان به واژه‌ی bank اشاره کرد که بر روی تابلویی نوشته شده است. اگر این تابلو در نزدیکی دریا باشد منظور ساحل است، اما اگر در یک خیابان پرتردد نصب شود به‌احتمال زیاد منظور بانک است. در چنین وضعیتی بافت بلافصل فیزیکی/ موقعیتی به ما می‌گوید که تفسیر مناسب چیست.

۲-۱-۲- بافت دانش پس‌زمینه‌ای^۲: نوعی از دانش است که افراد در مورد یکدیگر و در حوزه خاصی از زندگی و جهان پیرامون دارند. این نوع دانش به دو دسته تقسیم می‌شود: دانش فرهنگی^۳: دانشی که بیشتر مردم درباره زندگی دارند. کاتینگ در مورد دانش فرهنگی به طنزها اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد که این بافت فرهنگی و نگرش‌های مشترک گروهی از افراد است که درک طنز یک کشور را برای مردم یک کشور دیگر دشوار می‌کند. این مسئله می‌تواند در مورد یک نسل به نسل دیگر نیز وجود داشته باشد.

دانش بینافردي^۴: دانش ویژه و خصوصی در مورد افرادی که در گفتگو مشارکت دارند. در مورد دانش بینافردي می‌توان به اطلاعاتی که یک زن و شوهر از یکدیگر دارند اشاره کرد. زن و شوهر هنگام گفتگو با یکدیگر از عقاید و افکار هم تا حد زیادی اطلاع دارند. در واقع همین دانش است که مکالمه‌ی بین آن‌ها را علیرغم آن که در برخی موارد تلویحی است، برای آن‌ها میسر و قابل درک می‌کند.

۲-۱-۳- بافت هم-متنی^۵: کاتینگ (۲۰۰۲: ۸) در مورد این نوع بافت، به انسجام‌های^۶ متنی (دستوری و واژگانی) اشاره می‌کند که در تحلیل و درک متن به ما کمک می‌کنند. یول

-
1. situational context
 2. background knowledge context
 3. cultural knowledge
 4. inter-personal knowledge
 5. co-text context
 6. cohesion

(۱۹۹۶: ۳۵) معتقد است «هم‌بافت^۱ صرفاً بخش زبانی محیطی است که عبارت ارجاعی در آن به کار می‌رود. محیط عینی یا بافت به‌منزله‌ی عاملی شناخته می‌شود که تأثیر نیرومندی بر چگونگی تعبیر عبارات ارجاعی دارد». به‌طور مثال می‌توان به جمله «برزیل برنده‌ی جام جهانی شد» اشاره کرد. در اینجا هم‌بافت آشکارا دامنه‌ی تعابیری را که ممکن است از کلمه‌ای مثل «برزیل» در ذهن داشته باشیم، برایمان محدود می‌سازد. کلمه «برزیل» عبارتی ارجاعی است و گزاره «برنده‌ی جام جهانی شد» نیز بخشی از هم‌بافت را تشکیل می‌دهد.

۲-۲- اصل ادب^۲: یول^۳ (۱۹۹۶) ادب را آگاهی از وجهه‌ی دیگران معرفی می‌کند و عباراتی را که موقعیت اجتماعی بالاتر را نشان می‌دهند، خطاب محترمانه می‌نامد. با این توصیف، ادب را می‌توان در موقعیت‌هایی مانند رعایت فاصله‌ی اجتماعی به هنگام صحبت به کار برد. ادب یعنی اینکه در یک جامعه زبانی خاص، چگونه فاصله اجتماعی بین گویندگان و ارتباط بین آن‌ها در زبان منعکس می‌شود و طرف‌های مکالمه با چه شیوه‌هایی وجهه خود را در طول مکالمه حفظ می‌کنند. در گفتمان قانون، رعایت این اصل ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه در این گفتمان روابط قدرت حاکم است. در بازجویی‌ها، بازپرسی‌ها و دادگاه‌ها «روابط قدرت حاکم است و افراد شرکت‌کننده در آن محیط به رابطه‌ی قدرت و گفتمان بالقوه آن آگاهی دارند. به همین دلیل است که افسر بازجو سؤال می‌کند و متهم پاسخ می‌دهد. این یک رابطه‌ی تعریف شده است و هیچ‌گاه برعکس نمی‌شود و درست به همین دلیل بازجو به خود اجازه می‌دهد کلام متهم را هر جا که بخواهد قطع کند» (عزیزی و مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۴۹).

۲-۳- ارجاع: ارجاع^۴ عملی است که طی آن، گوینده یا نویسنده با به‌کارگیری صورت‌های زبانی، شرایطی را فراهم می‌کند تا شنونده یا خواننده بتواند پدیده‌ای را بشناسد (یول، ۱۹۹۶: ۲۹). ایشان در ادامه عبارت اشاره‌ای^۵ را آشکارا صورتی از ارجاع می‌داند که وابسته به بافت گوینده است. کلمات یا عباراتی که پاره‌گفتار را به‌طور مستقیم با زمان، مکان یا اشخاص پیوند

1. co-text
2. politeness principle
3. G. Yule
4. reference
5. deixis

می‌دهد، عبارات اشاره‌ای هستند. معنای این عبارات فقط با توجه به بافت مشخص می‌شود. اینجا، آنجا، آن، این، اکنون، امروز، فردا، من، او جزو عبارات اشاره‌ای هستند. سه نوع عبارت اشاره‌ای وجود دارد: عبارت اشاره‌ای شخصی (او، آن‌ها)، عبارت اشاره‌ای مکانی (اینجا، آنجا) و عبارت اشاره‌ای زمانی (دیروز، فردا). انتخاب گونه‌ای از عبارت ارجاعی به جای عبارت ارجاعی دیگر تا اندازه‌ی زیادی بستگی به تصور گوینده درباره‌ی دانسته‌های پیشین شنونده دارد. این عبارات ارجاعی می‌تواند شامل اسامی خاص، عبارت‌های اسمی معرفه یا نکره و ضمائر باشد (همان).

۲-۴- اصول برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی: یکی از اصول هر گفتمانی برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی و باورهاست. افراد در هر گفتمانی سعی می‌کنند با استفاده از ابزارهای زبانی خاصی مثل استعاره یا اسم‌سازی نقاط قوت خود را برجسته کنند و همچنین نقاط قوت طرف مقابل و نقاط ضعف خود را به حاشیه می‌رانند (فرکلاف^۱، ۱۹۹۳). یکی از اصول کاربردی افراد کلاهبردار آگاهی از این اصل و استفاده از آن برای برجسته‌سازی یک مسئله به منظور جلب اعتماد طرف مقابل و رفع اتهام از خود است. این افراد همچنین با استفاده از این اصل سعی در حاشیه‌رانی واقعیت‌هایی دارند که حاکی از سوءنیت و جرم آنان است.

۲-۵- اقناع: بدون استثنا ادبیات اقناع^۲ بر مخاطب متمرکز است و فرآیندی است که در آن یک منبع اقناع‌کننده از یک پیام استفاده می‌کند تا با خلق، تغییر یا تقویت نگرش‌های مخاطبان به هدف مشخصی دست یابد. هر نوع گفتمانی که بر افکار، احساسات یا رفتار تأثیرگذار باشد متقاعدسازی است. کیا و سعیدی اقناع را یک فرآیند دوسویه می‌دانند که در آن هر دو گروه یا هر دو طرف به یک مهم نزدیک می‌شوند و آن را تلاشی به منظور پاسخ‌گویی به نیازها بکار می‌برند (کیا و سعیدی، ۱۳۸۳: ۲۲۳). در تعریفی دیگر، اقناع فرآیندی است که در خلال آن می‌کوشیم تا نگرش دیگران را تغییر دهیم و به تعبیر ساده‌تر به مفهوم کوشش برای تغییر نگرش است (همان: ۱۸۱). اقناع تمامی رفتار زبان‌شناختی است که در راستای عوض

1. N. Fairclough
2. persuasion

کردن فکر یا رفتار شنونده یا تقویت عقاید او صورت می‌گیرد تا شنونده کاملاً با نظر وی موافق گردد (هالماری و ورتانن، ۲۰۰۵: ۶). اقناع چارچوب خاصی ندارد و عوامل فراوانی در روند متقاعدسازی دخیل هستند. متغیرهای فراوانی می‌توانند در فرایند متقاعدسازی نقش داشته باشند. آن‌ها کاربرد واژه‌های خاص و عوامل زبرزنجیری کلام را نیز در روند متقاعدسازی مهم می‌دانند. اقناع بیشتر از طریق فن بیان، فصاحت و بلاغت بروز می‌یابد و همانند نظریه‌ای برای تدریس است تا روش تحقیق یا چارچوبی خاص. اصطلاحات و ابزار زبان‌شناختی که وکلای مدافع در دفاع از موکلان خود بکار می‌گیرند، ابزاری شناختی است و هر فرد فنون خاص خود را دارد (همان: ۷۰). وان دایک (۱۹۸۸: ۸) به این نتیجه می‌رسد که دسترسی به اشکال خاصی از گفتمان، خود منبع قدرت محسوب می‌شوند که این عمل توسط ذهن کنترل می‌شود؛ پس می‌توانیم با تأثیرگذاری روی ذهن افراد، به‌طور غیرمستقیم، برخی اعمال آن‌ها را تحت فرمان خود بگیریم. سو استفاده از سلطه بر سخن که به‌نوعی فریب در اقناع تلقی می‌شود، می‌تواند در جهت کنترل عقاید و کردار دیگران به نفع خود و علیه دیگران نیز بینجامد.

۳- روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته است و هدف آن توصیف و تبیین ویژگی‌های گفتاری متهمان کلاهبرداری از منظر زبان‌شناسی حقوقی است. داده‌های پژوهش، تمامی بازجویی‌های انجام‌شده از طرف نیروی انتظامی و دادسرا و دادگاه مربوط به دو متهم کلاهبرداری است. هدف نگارندگان شناسایی ویژگی‌های زبانی متهمان کلاهبردار است که می‌تواند به عموم مردم و مراجع قضایی در شناخت این افراد کمک کند. لازم به توضیح است که به لحاظ حقوقی تنها شکایت شکات، شهادت شاهدان ماجرا، سابقه متهم، تکرار جرم و... برای قاضی کفایت می‌کند تا قرار صادر کند؛ بنابراین نگارندگان در چندین محور به ویژگی‌های زبانی دفاع متهمان در محیط قضایی می‌پردازند. ویژگی‌های زبانی دفاع متهم در نیروی انتظامی، دادسرا و دادگاه، بعد دیگری از شواهد در جهت شناسایی جرم کلاهبرداری است. بررسی کلاهبرداری به‌عنوان یکی از جرائم زبانی، یکی از مشکل‌ترین جرائم است، زیرا مشاهده پرونده‌های کلاهبرداری در دادسرا و آگاهی به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه پژوهشگر باید در

مواردی به دلیل متواری بودن متهمان، با شکات پرونده مصاحبه داشته باشد تا اطلاعات موردنیاز را به دست آورد.

در این پژوهش، نگارندگان علاوه بر توصیف و تحلیل ویژگی‌های زبانی متهم در دادسرا و دادگاه، لازم دیدند به ویژگی‌های گفتاری و رفتاری متهم در مقابل مالباختگان با توجه به شکایت شکات بپردازند و ویژگی‌های موردنظر را از شکایت آن‌ها استنباط کنند. با توجه به اینکه گرفتن مجوز حضور در دایره مبارزه با کلاهبرداری، جلسه‌های بازجویی در کلانتری، دادسرا و جلسات دادگاه میسر نشد، نگارندگان سعی کردند تا حد امکان محدودیت پرونده‌ها را کاهش دهند؛ بنابراین پرونده‌هایی را انتخاب کردند که حکم آن‌ها صادر شده باشد و در اجرای احکام کیفری، حکم آن‌ها به اجرا گذاشته شده باشد. با توجه به اظهارات گواهان و شکایت شکات، تا حدی می‌توان ویژگی‌های گفتاری و رفتاری متهم را به دست داد؛ اما با این همه عدم توضیحات کامل و دقیق گواهان و شکات درباره ابزارهای متقلبانه متهم یکی از محدودیت‌های این پژوهش است. حتی اگر مجوز مصاحبه با شکات میسر می‌شد، با توجه به تجربه حاصل از این محیط، نگارندگان ترجیح دادند مصاحبه‌ای صورت نگیرد. چراکه احتمال نتیجه مطلوب خیلی ضعیف بود. به این دلیل که رأی صادر شده بود و متهمان حدود یکی دو سال می‌شد که در زندان به سر می‌بردند. به‌طور نسبی می‌توان گفت شکایت شکات مربوط به چند سال قبل است و قادر به بیان اطلاعات موردنیاز پژوهش نیستند.

۴- تحلیل زبان‌شناختی داده‌ها

۴-۱- پرونده اول، بافت موقعیت گفتمان

خلاصه ماجرای اول: متهم این پرونده، مردی ۴۴ ساله، متأهل و دارای تحصیلات دیپلم است که به شخص (شاکلی) برای رفع مشکل ایشان معرفی می‌شود. شاکلی هم فردی است که به علت نگهداری اسلحه به سه سال حبس محکوم می‌شود و با همکاری پدر خود در جستجوی راهی برای تخفیف مجازات است. متهم به شاکلی وعده می‌دهد که با کمک وکیل و آشنای خود در دیوان عالی کشور، وی را به پزشکی قانونی معرفی و مشکل پرونده ایشان را حل کند. شاکلی

هم مبلغ ۵ میلیون تومان، به شهادت معرف^۱، به متهم پرداخت می‌کند تا به آقای وکیل برای پیگیری پرونده‌اش پرداخت کند و یک فقره سفته به همین مبلغ از متهم دریافت می‌کند اما متهم، شاکی، پدر شاکی، معرف و وکیل را فریب می‌دهد، بدین صورت که در جلسه‌ای که متشکل از وکیل، معرف، شاکی و خود متهم است، وکیل در عرض چند ثانیه در جلسه حضور می‌یابد و برگه‌ای روبروی شاکی می‌گذارد و از وی درخواست امضا می‌کند. وقتی شاکی خواستار خواندن برگه مربوطه می‌شود، وکیل اجازه نمی‌دهد و می‌گوید: «چیز مهمی نیست، این وکالت‌نامه است، من باید زودتر برگردم، فقط سریع امضا کن». این در حالی است که در این جلسه، شاکی انتظار دارد نماینده‌ای از تهران را ملاقات کند، یعنی همان آشنای متهم که قرار بود پرونده وی را مطالعه و در جهت برائت ایشان اقدام کند؛ اما این شخص، خود وکیل است و در جریان موضوع پرونده و ماجرا هم نیست. متهم با اینکه هیچ مبلغی از ۵ میلیون تومان را به وکیل تحویل نمی‌دهد، اصلاً معلوم نیست که با چه ترفندی وی را قانع کرده است که در این جلسه برای امضا گرفتن از شاکی حاضر شود. نکته مبهم دیگر این است که مشخص نیست متهم چگونه وکیل را قانع می‌کند که درخواستی مبنی بر معرفی شاکی به پزشکی قانونی بنویسد. در اینجا برخی از نقل قول‌های اطرافیان از زبان متهم برای روشن شدن ترفندهای کلاهبرداری ایشان ذکر می‌شود. به گفته معرف، «متهم گفته بود شخصی از دیوان عالی می‌آید و کارهای شاکی را انجام می‌دهد و پرونده را بازدید می‌کند اما بعداً فهمیدم خبری نیست و یک وکیل معرفی می‌کند و مثل اینکه هیچ مبلغی به وکیل نمی‌دهد و می‌گوید که خودم می‌روم دنبال کارهای قضایی شاکی». به گفته پدر شاکی، «شخص متهم خود را واسطه معرفی می‌کند و اینکه آقای وکیل بقیه کارها را انجام می‌دهد و همچنین در دیوان عالی آشنا دارد و دعوت می‌شود که پرونده را شخصاً مطالعه کنند. متهم مبلغ ۲.۷۸۵.۰۰۰ تومان برای انجام امور پرونده پسر، از قبیل پول بنزین، زیرمیزی، کمیسیون و کارهای متفرقه، از بنده دریافت کرد». به گفته پدرخانم شاکی، «شخص متهم با وعده می‌گوید که پرونده را به دیوان عالی می‌برم. متهم به عنوان کارکرد پرونده مبلغ موردنظر را از پدر شاکی می‌گیرد». به گفته یکی از شاهدان، «متهم خود را وکیل معرفی می‌کند و می‌گوید برای انجام کارهای شاکی از

۱- فردی که متهم را به شاکی معرفی می‌کند، هم آشنای شاکی است و هم آشنای متهم. در اینجا برای سهولت خواننده «معرف» نامیده می‌شود.

قبیل کارهای اداری، پزشکی قانونی، روابط آشناها و حل پرونده مبلغ ۵ میلیون تومان پول لازم است. متهم در همان زمان اظهار می‌کند اگر کار شاکی انجام نشد، پول را پس خواهد داد.»

لازم به ذکر است که این متهم دو پرونده کلاهبرداری دارد که در هر دو به یک شیوه کلاهبرداری شده است. کلاهبرداری دوم طبق زمان شکایت، یک ماه بعد از شکایت قبلی است.

خلاصه ماجرای دوم: متهم این پرونده همان متهم پرونده مذکور در ماجرای اول است. شاکی این پرونده هم فردی است که با همسرش اختلاف زناشویی دارد. از آنجایی که همسر شاکی دادخواست طلاق می‌دهد و خواهان مهریه خود می‌شود، شاکی به واسطه آشنایی با متهم، از ایشان کمک می‌گیرد و متهم هم همان وکیل مذکور در ماجرای اول را معرفی می‌کند تا مشکل ایشان را حل کند... شاکی به همراه متهم نزد وکیل می‌رود و قرارداد وکالت می‌نویسد. حق‌الوکاله در صورت طلاق توافقی پانصد هزار تومان است. متهم که علی‌الظاهر رابط بین وکیل و شاکی است، مبلغ سه میلیون و پانصد هزار تومان را طی چندین مرحله بابت پرداخت به وکیل از شاکی تقاضا می‌کند. طی چند جلسه تشکیل دادگاه، شاکی و همسرش و متهم به همراه وکیل موردنظر در جلسه دادگاه حضور می‌یابند. شاکی دلیل حضور همیشگی متهم با وکیل را جويا می‌شود. متهم بیان می‌کند که با وکیل دوست است و کارهای او را انجام می‌دهد. بعدها مشخص شد که متهم تنها پانصد هزار تومان از مبلغ مذکور را به وکیل پرداخت می‌کند یعنی همان مبلغی که حق‌الوکاله است و مابقی مبلغ را با جلب اعتماد شاکی و سوءاستفاده از ایشان به نام وکیل اما برای خودش دریافت می‌کند.

۴-۱-۱- ویژگی‌های زبانی متهم در محیط قضایی

۱- داشتن دانش پس‌زمینه‌ای: کاتینگ (۲۰۰۲: ۹-۳) دانش پس‌زمینه‌ای را دانشی می‌داند که فرد درباره جهان و پیرامون خود می‌داند. در اینجا می‌بینیم که متهم با دانش پس‌زمینه‌ای از گفتمان قضایی سعی در اقناع مراجع قضایی دارد. دفاع متهم به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد وی کاملاً به گفتمان حقوقی و اصطلاحات رایج در این گفتمان آشناست و گاهی بازجو و خواننده چنین می‌پندارد که متهم خود یک وکیل است. واژه‌ها و عباراتی در متن بازجویی از قبیل محرز (۳ بار)، دلالت، ضمناً، صحنه‌سازی، اظهارات، لایحه (۵ بار)، دفاعیات، شکایت، شاکی (۲ بار)، شاهد، علی‌هذا (۲ بار)، عودت (۲ بار)، پلکانی (۲ بار)، جلسات دادگاه، دادگاه (۲

بار، پرونده (۲ بار)، پزشکی قانونی (۳ بار)، وکیل (۴ بار)، وکالت (۲ بار)، وکالت‌نامه (۲ بار)، معرف وکیل و شرکت در دادگاه، اعلام وکالت، صورت‌جلسه، وکالت کردن، مراحل دادگاهی، رأی صادر شدن، جلسات دادگاه، مدت‌زمان درخواستی و... واژه‌های یک شخص غیر آشنا به گفتمان حقوقی نیست و حاکی از دانش پس‌زمینه‌ای است و اینکه متهم با مباحث حقوقی و قضایی آشنایی دارد و به راحتی توانسته است با یک دفاع تخصصی و رایج در محاکم قضایی سعی در اقناع بازجو و قاضی داشته باشد.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب^۱: شکایت آقای... (شاکلی) و... (پدر شاکلی) علیه شما دایر بر کلاهبرداری با توجه به اظهارات شهود برایتان قرائت می‌شود چه می‌گویید؟

م^۲: شکایت در زمینه کلاهبرداری محرز نیست و قبول ندارم و شاهد نامبرده... (پدرخانم شاکلی) در هنگام امضای وکالت‌نامه به وکالت آقای... (وکیل) حضور نداشته است. آقای... (معرف متهم) در هنگام امضای وکالت‌نامه وکیل حضور داشته‌اند و در دریافت مبلغ آن‌ها اطلاع ندارند. آقای... پدرخانم شاکلی می‌باشد و آقای... (معرف متهم) همسایه شاکلی می‌باشد. بنده معرف وکیل بوده‌ام و خود را وکیل معرفی نکرده‌ام و وکالت وکیل مربوطه در دادگاه انقلاب بوده است و در پرونده محرز می‌باشد و چند جلسه در دادگاه شرکت نموده است و شاکلی به پزشکی قانونی جهت معاینات به سمندان و ساری اعزام گردیده است و دلالت بر صحنه‌سازی ندارد و در پرونده‌های نامبرده محرز است و اگر نامه پزشکی قانونی نداشته، چرا به ساری رفته است و ضمناً نتیجه پزشکی قانونی در پرونده مشخص است.

۲- رعایت اصل ادب و احترام: استفاده از عباراتی از قبیل استدعاست، تقدیم می‌دارم (۲ بار)، ارائه می‌دهم (۲ بار)، اعلام می‌کنم، دادگاه محترم، تقاضا، مدت‌زمان درخواستی و... حاکی از آگاهی و دانش پس‌زمینه‌ای متهم از ساختار قدرت در مراجع قضایی است و نشان‌دهنده این موضوع است که او با این ساختار به‌خوبی آشناست. وی با رعایت این اصل به‌صورت کاملاً ملموس و پررنگ در مقابل بازجو و قاضی سعی در اقناع آن‌ها داشته است. بدیهی است که برخورد مؤدبانه یک فرد در نگرش قاضی و بازجو، به‌عنوان مشارک یک رویداد کلامی، حتی در بازجویی و دادگاه مؤثر است. به‌طور کلی ادب یک فرد، او را از مظان اتهام دور می‌سازد.

۱. «ب» در سراسر مقاله به معنای بازجو یا بازپرس است.

۲. «م» در سراسر مقاله به معنای متهم است.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: با توجه به اسامی فوق‌الذکر اتهام شما دایر بر کلاهبرداری مبلغ ۷.۷۸۵.۰۰۰ تومان به شما تفهیم می‌شود. از خودتان دفاع کنید.

م: اظهارات خود را به شرح لایحه تقدیم می‌کنم و مدت زمان درخواستی ظرف مدت ۱۵ روز مدت استدعاست.

ب: اتهام شما دایر بر کلاهبرداری به مبلغ ۷.۷۸۵.۰۰۰ تومان مجدداً به شما تفهیم می‌گردد. آخرین دفاعیات خود را بنویسید.

م: دفاعیات خود را ظرف مدت ۱۵ روز برابر لایحه تقدیم می‌دارم.

۳- **ارجاعات مبهم:** متهم با استفاده از عبارتهای اشاره‌ای زمانی مبهم و نامشخص مانند متعاقباً، ظرف و مهلت (ظرف ۵ روز، ظرف ۱۵ روز، مهلت ۱۰ روز) از ایجاد تعهد می‌پرهیزد.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: شکایت آقای... (شاکای) علیه شما مبنی بر خیانت در امانت برایتان قرائت می‌گردد. چه می‌گویید؟

م: شکایت مربوطه را طی لایحه ارائه می‌دهم. ظرف ۵ روز آینده لایحه را ارائه می‌دهم.

ب: چه مبلغی از شاکای اخذ [کردید] و به وکیل تحویل دادید؟

م: متعاقباً اعلام می‌کنم.

از منظر حقوقی، به‌کاربردن ابزارهای متقلبانانه اولین نشانه کلاهبرداری است که این ابزارها می‌تواند هم زبانی باشد و هم رفتاری. دو بخش زیر هم‌راستا با این عنصر است. از آنجایی که هدف پژوهش حاضر، پرداختن به ابزارها و ویژگی‌های زبانی متهم کلاهبردار است، بخش ویژگی‌های زبانی و رفتاری را به‌صورت جداگانه بررسی می‌کنیم. بخش ویژگی‌های رفتاری خارج از بحث پژوهش است؛ اما به دلیل ملازمت این دو باهم، به‌صورت گذرا و مختصر به آن اشاره خواهد شد چرا که شگردهای زبانی فریب از رفتار فریب‌آمیز تفکیک‌ناپذیر است و لازم و ملزوم یکدیگر هستند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نگارندگان سعی کردند از روی توضیحات شکات در شکوائیه‌ها، بازجویی‌های انجام‌شده از شکات و مطلعان پرونده و همچنین دفاعیات متهم به این دو بخش بپردازند.

۴-۱-۲- ویژگی‌های زبانی متهم در برابر شکات

۱- داشتن دانش پس‌زمینه‌ای در حوزه موردنظر کلاهبرداری: همان‌طور که در بخش اول قسمت ۳-۱-۱ به گفتار متهم در دادسرا و دادگاه پرداخته شد، متهم با دانش پس‌زمینه‌ای از گفتمان قضایی و به‌کاربردن واژه‌ها و عباراتی از قبیل موارد زیر می‌تواند شاکی را با فریب دادن به حل پرونده‌اش امیدوار سازد. متهم همچنین با دانش پس‌زمینه‌ای که از خود نشان می‌دهد؛ اعتماد شاکی را مبنی بر اینکه ایشان فرد برجسته و توانایی است، جلب می‌کند. مواردی از قبیل درخواست پول زیرمیزی، کمیسیون و کارهای اداری و متفرقه پرونده، درخواست پول برای وکیل، واسطه بودن متهم بین وکیل و شاکی، معرفی شاکی به پزشکی قانونی و بردن پرونده به دیوان از این جمله‌اند.

۲- رعایت اصل ادب و احترام: طبق اظهارات شاکیان و مطلعان پرونده که خلاصه‌ای از سخنان متهم از زبان آن‌ها نقل شده است، به‌روشنی رعایت اصل ادب در برابر شاکیان پیداست و متهم در تمامی مراحل کلاهبرداری با شکات محترمانه صحبت کرده است. هیچ نکته‌ای دال بر بی‌ادبی متهم در مقابل شکات وجود ندارد. می‌توان نتیجه گرفت که رعایت اصل ادب جزو ارکان مهم در فرآیند کلاهبرداری است. متهم نمی‌تواند بدون رعایت این اصل به کلاهبرداری و نتیجه مطلوب (بردن مال مالباختگان) برسد. در حالت عادی و در قرار حق‌الوکاله مابین وکیل و موکل احتمال شاکی شدن و اعتراض موکل وجود دارد و همچنین منصرف شدن وکیل از ادامه وکالت؛ اما اظهارات متهم از زبان شاکیان و مطلعان از قبیل موارد زیر حاکی از این است که اعتراضی از سوی شاکیان (به این دلیل که شاکیان پول هنگفتی پرداخت کرده‌اند و انتظار دارند هرچه سریع‌تر به نتیجه مطلوب برسند) صورت گرفته است که متهم این‌گونه با رعایت اصل ادب پاسخ می‌دهد: من واسطه‌ام و کارهای فرعی را انجام می‌دهم و بقیه کارها را وکیل انجام می‌دهد، در دیوان عالی آشنا داریم، شما را به پزشکی قانونی معرفی می‌کنم، پرونده شما را به دیوان می‌برم، فردی از دیوان عالی می‌آید و پرونده شما را بازدید می‌کند و کارهای لازم را انجام می‌دهد، اگر کار شما انجام نشد، پول را پس خواهیم داد.

متهم برای رسیدن به هدف خود (عنصر سوم کلاهبرداری: بردن مال مالباختگان)، با رعایت اصل ادب و امیدوارکردن شاکی در جهت اغفال شاکی (عنصر دوم کلاهبرداری: اغفال

مالباختگان) گام برمی‌دارد. نکتهٔ حائز اهمیت این است که یک وکیل واقعی در ازای لایحهٔ دفاع از موکل خود هزینهٔ خاص خود را دریافت می‌کند خواه لایحه به نتیجه برسد خواه نرسد و هیچ‌وقت پول را برنمی‌گرداند؛ پس بیان جملهٔ اگر کار شما انجام نشد، پول را پس خواهیم داد از سوی متهم مصداق اغفال و فریب در قالب رعایت این اصل نسبت به شاکی است.

۳- امید واهی دادن: نکتهٔ بعدی این است که وکیل واقعی می‌تواند در عملکرد پروندهٔ شاکی مقداری پول بابت حق‌الزحمه دریافت کند تا پرونده را به سمت‌وسویی هدایت کند که آن را به دیوان عالی کشور بفرستد؛ اما می‌بینیم که متهم تنها وعدهٔ واهی می‌دهد و از این طریق، زمان را طولانی‌تر می‌کند تا بتواند بهانه‌ای برای دریافت پول بیشتر به دست بیاورد.

۴- عملکرد دلسوزانه: هیچ‌کس منکر این نیست که آدم‌های فداکار و دلسوز وجود دارند؛ اما هر چیزی حدودمرز خاص خود را دارد. ادعای متهم پرونده مبنی بر انجام کار بدون مطالبهٔ هیچ دستمزد و خواسته‌ای و بدون عقد هیچ قراردادی مشکوک به نظر می‌رسد. نیازی به بیان عبارات خاصی برای اثبات این اصل نیست. تمامی اظهارات متهم از زبان شاکیان و مطلعان که خلاصه‌ای از آن‌ها نقل شده، بیانگر این نکته است.

۴-۱-۳- ویژگی‌های رفتاری متهم در برابر شکات

هر گفتاری برای اثبات خود، رفتار مناسب خود را ایجاب می‌کند. رفتار انسان صحت و نادرستی سخنان او را نمایان خواهد کرد. نگارندگان در اینجا با بیان چند نکته به توضیح این موضوع می‌پردازند که افراد کلاهبردار از این اصل به‌عنوان یک اصل مهم در فرآیند کلاهبرداری استفاده می‌کنند. این افراد رفتارهایی متناسب با گفتار دروغ خود انجام می‌دهند تا صحت گفتار فریب‌آمیز خود را به‌طرف مقابل نشان دهند و اعتماد آن‌ها را جلب کنند. در این پرونده به مواردی از عملکرد رفتارهای متهم برای جلب اعتماد شاکیان اشاره خواهیم کرد.

رفتارهای فریب‌آمیز متهم در ماجرای اول

۱- امضا کردن سفته به همان مبلغ دریافتی

۲- درخواست از وکیل مبنی بر معرفی شاکی به پزشکی قانونی

منظور از «جلسه» در موارد ۳ و ۴ یک جلسه واحد است اما متهم در کمال مهارت هردو نفر را فریب داده است:

۳- تشکیل جلسه‌ای برای شاکی مبنی بر معرفی فرد موردنظر از دیوان عالی و امضای وکالت‌نامه

۴- تشکیل جلسه‌ای برای وکیل مبنی بر معرفی موکل و گرفتن امضا برای وکالت‌نامه از ایشان

رفتارهای فریب‌آمیز متهم در ماجرای دوم

۱- تشکیل جلسه‌ای مبنی بر آشنایی وکیل و موکل و امضای قرارداد وکالت

۲- حضور متهم در کنار وکیل در تمامی مراحل دادگاهی

۲-۴- پرونده دوم، بافت موقعیت گفتمان

خلاصه پرونده: متهم این پرونده، مجرمی ۳۹ ساله با تحصیلات سیکل است که ۸ پرونده کیفری از قبیل جرائم مربوط به مهریه و نفقه، غیبت از خدمت سربازی، مواد مخدر و سرقت دارد و ۲ سال است که در زندان به سر می‌برد. متهم به طرق مختلف، شماره تماس‌های افراد نیکوکار و پول‌دار شهر را به دست می‌آورد و با تلفن عمومی زندان با افراد موردنظر تماس می‌گیرد. ایشان خود را شخص ... (یکی از مسئولان حمایت زندانیان) معرفی می‌کند و به بهانه‌های مختلفی از قبیل کمک برای آزادی زندانیان، پرداخت جریمه زندانیان و... از افراد موردنظر مبلغ معینی تقاضا می‌کند. متهم برای اطرافیان خود در زندان مواد مخدر و خوراکی تهیه می‌کند و این‌گونه اعتماد آن‌ها را جلب می‌کند و کارت مددجویی آن‌ها را قرض می‌گیرد و پس از واريز مبلغ موردنظر از طرف افراد نیکوکار به حساب مددجویان مذکور و خارج کردن آن مبلغ از حسابشان، کارت‌های مددجویی را به صاحبان اصلی برمی‌گرداند.

۲-۴-۱- ویژگی‌های زبانی متهم در محیط قضایی

۱- توجه به بافت موقعیتی و دانش پس‌زمینه‌ای: متهم با داشتن دانش پس‌زمینه‌ای از گفتمان حقوقی و استفاده از واژه‌ها، اصطلاحات و مواد حقوقی سعی در اقناع مراجع قضایی و پیشبرد بازجویی به نفع خود دارد. واژه‌ها و بندهایی از قبیل استعلام (۲ بار)، اظهار، مختص، خود شما شخصاً با هماهنگی اداره آگاهی حل‌وفصل نموده و با توجه به اینکه شاکی هم ظاهراً

در بین نیست و شاکي هم پشت این پرونده نیست، با توجه به اینکه می‌توانید جهت صحت و سقم حرف‌هایم از حفاظت زندان نیز استعلام بگیرید، شما افسر محترم پرونده می‌توانید با تماس گرفتن به تک تک افراد به صحت و سقم حرف‌های من پی ببرید به‌خوبی بیانگر تسلط متهم بر این گفتمان است. متهم به دلیل داشتن پرونده‌های متعدد و حضور مکرر در زندان، دانش پس‌زمینه‌ای خوبی از گفتمان زندان پیدا کرده است و از این دانش در مراحل مختلف پرونده بهره می‌گیرد.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: آیا شما در مدت دو هفته اخیر اصلاً از تلفن استفاده نموده‌اید؟

م: خیر به‌هیچ‌عنوان و می‌توانید از وکیل بند و مسئولین تلفن بند هم استعلام نمایید.

ب: آیا اظهارات دیگری هم دارید؟

م: بله. از مقام محترم حفاظت زندان تقاضامندم که تحقیقات خود را در این زمینه در بند

وسیع‌تر کند تا صحت و سقم حرف‌های من مشخص شود...

۲- رعایت اصل ادب و احترام: استفاده از برخی واژه‌ها، عبارات و جملات نشان‌دهنده آگاهی و دانش پس‌زمینه‌ای متهم از ساختار قدرت در مراجع قضایی است و نشان‌دهنده این موضوع است که او با این ساختار به‌خوبی آشناست. وی با رعایت این اصل به‌صورت کاملاً ملموس و پررنگ در مقابل بازجو و قاضی سعی در اقناع آن‌ها داشته است، عباراتی از قبیل: ایشان (۱۵ بار)، شما (۳ بار)، آقای... (۱۰ بار)، محترم (۱۰ بار)، جناب آقای... (۴ بار)، افعال جمع برای مفرد (۱ بار)، در حضور (۲ بار)، بزرگواران، حاجی، پس لذا خواهشمندم، بنده شخصاً از مسئولین زندان خواستار کمک و مساعدت جهت به دادگاه نفرستادن این مورد می‌باشم و از همه آن‌ها بازهم تأکید می‌کنم از همگی مخصوصاً مدیریت و حفاظت ندامتگاه جناب مهندس... کاملاً و رسماً معذرت خواسته و تقاضای عفو و بخشودگی ایشان و سایر همکارانشان را در سال جدید خواستارم لذا خواهشمندم در صورت امکان با این تقاضای بنده موافقت شود. متشکرم، بلی، از مقام محترم حفاظت زندان تقاضامندم، طلب عفو و بخشودگی دارم، تقاضای عفو و بخشش از دادگاه محترم و شکات دارم، قبول دارم طلب عفو و بخشش دارم مطلب خاصی ندارم در این ماه مبارک درخواست دارم که بنده را عفو بفرمایید.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: شماره تلفن‌هایی که از آن‌ها درخواست کمک می‌کردید به چه نحوی بود؟
 م: مجدداً نیز خدمت بازجوی محترم عرض می‌کنم که شماره تلفن‌هایی که از جانب آن‌ها کمک دریافت می‌کردم، به این نحو بوده که از طریق خود زندانیان که در زندان هستند و به من می‌دادند بوده است و هیچ‌یک از آن‌ها یعنی افرادی که به آن‌ها تلفن می‌کردم نه مرا می‌شناسند و نه نسبتی یا خویشاوندی با من دارند با توجه به اینکه حراست کل ندامتگاه مرکزی سمنان نیز کاملاً در جریان می‌باشد.
 ب: از اقدامات انجام داده خود چه دفاعی دارید؟ بیان کنید.

م: درخواست عفو و بخشودگی از طرف زندان و مسئولین زندان به‌خصوص حفاظت ندامتگاه و شخص آقای... را خواستارم تا بتوانم زندگی خود را برحسب همان ۱۰.۵ سال که داده‌اند وفق داده و زندگی نمایم. لذا با توجه به تمامی شرایط این‌جانب جهت این‌گونه پرونده‌ها بنده شخصاً از مسئولین زندان خواستار کمک و مساعدت جهت به دادگاه فرستادن این مورد می‌باشم و از همه آن‌ها بازهم تأکید می‌کنم از همگی مخصوصاً مدیریت و حفاظت ندامتگاه جناب مهندس... کاملاً و رسماً معذرت خواسته و تقاضای عفو و بخشودگی ایشان و سایر همکارانشان را در سال جدید خواستارم. لذا خواهشمندم در صورت امکان با این تقاضای بنده موافقت شود. متشکرم.

۳- ارجاع به یک واقعیت برای پنهان‌سازی دروغ: متهم به‌منظور پنهان‌سازی دروغ، به مواردی اشاره می‌کند که توجه مخاطب را به واقعیت جلب کند و در این میان واقعیتی که حاکی از جرم متهم است محو می‌شود. پاسخ‌های متهم در بعضی موارد حاکی از بیان قسمت کوچکی از حقیقت توسط متهم است. بندهایی از قبیل موارد زیر بیانگر این مسئله است: خیر اولاً دفترچه مال من نبوده و نیست؛ دوماً دفترچه یادشده با مقداری ورقه کاغذ بر روی میز تلفن بود و تنها یک برگ آن دست من بود آن‌هم برای اینکه همان لحظه من آمدم پای تلفن و از مسئول پرسیدم مال کیست جا گذاشته؟ دفتر را خیر، زیرا به‌محض ورود ایشان به هواخوری من تازه آمده بودم برای تماس و اول ایشان از من پرسید کجا دارید تماس می‌گیرید گفتم مادرم و برگه‌ای که دست من بود را به ایشان دادم و ایشان فرمودند که آن دفتر و برگه‌ها که روی میز تلفن است هم مال شماست گفتم خیر گفت بده به من و برداشتم به ایشان دادم، از آنجاکه بنده در طول این مدتی که در زندان بسر می‌برم تاکنون ۲ و ۳ بار ملاقات نداشتم و

حتی دارای یک کارت پاسارگاد به اسم خودم هم نیستم و حتی یک بار هم برای خرید به فروشگاه نرفته‌ام؛ و با رفتارم و عملکردم در طول این مدت و از آنجاکه پس از بررسی لوازم و تخت من هیچ‌گونه مدرک و کارتی کشف نگردیده، واقعاً زندانی آزاد می‌کردم و من به ...، ...، ... و... پول دادم، آقای ... و... را قبول دارم شب عید بود و اشتباه کردم. آقای ... را قبول ندارم.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: با توجه به کنترل و نظارت در خصوص تماس‌های تلفنی و حضور مسئول حفاظت زندان در زمانی که شما در حال مکالمه بودید یک دفترچه حاوی شماره تلفن‌ها از شما کشف شد. آیا قبول دارید که این دفترچه متعلق به شماست و از دست شما مسئول حفاظت کشف کرده است؟

م: خیر اولاً دفترچه مال من نبوده و نیست. دوماً دفترچه یادشده با مقداری ورقه کاغذ بر روی میز تلفن بود و تنها یک برگ آن دست من بود، آن‌هم برای اینکه همان لحظه من آدمم پای تلفن و از مسئول پرسیدم مال کیه جا گذاشته؟

ب: بنا به اظهار مسئول حفاظت این دفترچه را از شما گرفته آیا بازهم این موضوع را انکار می‌کنید؟

م: دفتر را خیر، زیرا به محض ورود ایشان به هواخوری من تازه آمده بودم برای تماس و اول ایشان از من پرسید کجا دارید تماس می‌گیرید، گفتم مادرم و برگه‌ای که دست من بود را به ایشان دادم و ایشان فرمودند که اون دفتر و برگه‌ها که روی میز تلفن است هم مال شماست؟ گفتم خیر گفت بده به من و برداشتم به ایشان دادم.

ب: چنانچه توضیحی علاوه بر آن دارید، ذکر کنید؟

م: از آنجاکه بنده در طول این مدتی که در زندان به سر می‌برم، تاکنون ۲ و ۳ بار ملاقات نداشتم و حتی دارای یک کارت پاسارگاد به اسم خودم هم نیستم و حتی یک‌بار هم برای خرید به فروشگاه نرفته‌ام؛ و با رفتارم و عملکردم در طول این مدت و از آنجاکه پس از بررسی لوازم و تخت من هیچ‌گونه مدرک و کارتی کشف نگردیده.

متهم با برجسته‌سازی یک واقعیت کوچک سعی در رفع اتهام از خود دارد و بدین ترتیب واقعیت بزرگ‌تر که مطلب اصلی و جرم متهم محسوب می‌شود به حاشیه رانده می‌شود. متهم همچنین با بیان عبارات واقعاً زندانی آزاد می‌کردم، جهت کمک به زندانی (۴ بار) سعی در

برجسته‌سازی جنبه مثبت کار خود دارد و این‌گونه نفس عمل که جرم محسوب می‌شود را به حاشیه می‌راند.

۴- **قطعیت در کلام به منظور رفع شک مراجع قضایی:** هرچند که تمامی اظهارات متهم محکم و قاطع و حاکی از اعتماد به نفس بالای متهم است، با این حال کاربرد برخی عبارات از قبیل موارد زیر نشان‌دهنده قطعیت گفتار متهم است که حاکی از شگرد متهم برای انحراف ذهن مخاطب است تا بدون چون و چرا سخن وی را بپذیرد. مواردی همچون خیر (۸ بار)، اولاً، دوما (۳ بار)، تنها (۲ بار)، آن هم (۲ بار)، حتی (۶ بار)، هیچ‌گونه، به هیچ‌عنوان، هیچ (۱۲ بار)، تمامی (۳ بار)، کلاً (۲ بار)، تاکنون (۲ بار) تا صحت و سقم حرف‌هایم مشخص شود (۳ بار)، با توجه به اینکه (۶ بار)، از آنجاکه (۴ بار)، به این نحو که (۳ بار)، دقیقاً (۳ بار)، واقعاً... (۲ بار)، مشتقات فعل توانستن (۴ بار)، نداره، گفتن (هر کدام ۲ بار)، نیستم، نمی‌دانم، اطلاع نداشتم (هر کدام ۲ بار)، ۲ عدد، کاملاً (هر کدام ۳ بار)، فقط (۴ بار)، خود زندانیان... (۴ بار)، اصلاً (۲ بار)، نه... و نه... (۲ بار)، نبوده و نیست، به محض، همان‌طور که، کل قضایا، اظهار می‌کرد، مختص به خود زندانی، مجدداً نیز عرض می‌کنم، هیچ یک از آن‌ها، هم... و هم... به... نه... به... بارها، همگی این عوامل... چه... و چه... کلیه آن‌ها... همان... مدت یک سال و نیم، یک یک حاضر ثابت کنم، حاضر آن‌ها را معرفی کنم و اسامی آن‌ها را در بازپرسی قید نمودم، در کل، تأکید می‌کنم، از همگی، حقیقت ندارد، تاریخش یادم نیست اما قبل از عید بود.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: آیا حاضر به جبران خسارت مالباختگان هستید؟

م: به هیچ‌عنوان چون تمامی آن‌ها که من باهاشان تماس گرفتم، درخواست کمک نه به صورت قرض بوده و نه به آن‌ها گفتم که برای خودم می‌خواهم. دقیقاً عین جمله‌ای که من با آن‌ها صحبت کردم به این صورت بوده که: سلام علیکم حاجی یه زندانی هست که نیاز به این مقدار کمک داره اولاً نداره به شما پرداخت کنه دوما غریبه و سوماً یه دعا از ته دل شما برای این زندانی کمکه از لحاظ مالی اگر مایلید این شماره کارت خود ندامتگاه مرکزی استان سمنان هست. شما افسر محترم پرونده می‌توانید با تماس گرفتن به تک تک افراد به صحت و سقم حرف‌های من پی ببرید.

ب: این کار را از چه کسی یاد گرفتید؟

م: این کار چون جنبه سودجویی در آن نبود و بنده هیچ مبلغی را به حساب خودم، چه بیرونی و چه داخلی، دریافت نمی‌کردم و فقط قصدم کمک گرفتن از یک سری افراد که نیتشان و جنبه کمکشان واقعاً خیر است و بنده هم به‌طور غیرمستقیم و تلفنی با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و آن‌ها نیز کمک می‌کردند؛ و فقط یک صحبت صادقانه از طرف من زندانی و یک حرکت انسان دوستانه از طرف آن‌ها بود.

با توجه به دفاعیات متهم می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه بیان یک مطلب به نفع متهم باشد، متهم با استفاده از این عبارات در گفتار خود سعی کرده است تا ذهن مراجع قضایی را نسبت به خود مثبت کند و این‌گونه سعی در انحراف ذهن آن‌ها به نفع خود دارد.

۵- عدم قطعیت در کلام به منظور رفع اتهام از خود: متهم با به‌کارگیری عبارت‌های احتیاط‌آمیز و مبهم و گنگ که نشان از عدم قطعیت دارند، سعی در کم‌رنگ‌سازی جرم خود دارد. زمانی که بازجو سؤال دقیق از متهم می‌پرسد و وی را در تنگنا قرار می‌دهد، متهم سعی می‌کند با کاربرد عبارت‌های احتیاط‌آمیز نقش خود را کم‌رنگ جلوه دهد تا از وی رفع اتهام شود. عبارت‌ها و جملاتی از قبیل حدوداً سه بار، دقیقاً ساعت تماس گرفتن را نمی‌دانم، حدوداً ۳ یا ۴ ماه اخیر، حالا یا... و یا... (۲ بار)، در ۳ الی ۴ مورد، تعدادی (۲ بار)، اگر مایلید...، الآن یادم نیست، به فرض...، اکثراً (۲ بار)، مثلاً، به‌طور مثال، احتمالاً، طی دو سه روز اخیر، فکر کنم (۳ بار)، در حال حاضر حضور ذهن ندارم، مانند، حوالی، تاریخش یادم نیست، ... شاید هم ...، نشان‌دهنده میزان آگاهی متهم از راهکار کیفیت است و حاکی از این است که آنچه وی می‌گوید کاملاً درست نیست. متهم زمانی از این واژه‌ها و عبارات استفاده می‌کند که قصد دارد جرم انتسابی را تا حدودی از خود رفع کند.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: این پول از طریق چه کسی به حساب او واریز شده است؟

م: از طرف یک انسان خیر و باخدا

ب: اسم و مشخصات آن شخص خیر چیست؟

م: دقیقاً حضور ذهن ندارم.

ب: به چه عنوانی به آن شخص خیر خود را معرفی و برای چه درخواستی از او این

مبلغ را مطالبه کرده‌اید؟

م: به‌عنوان یک زندانی و جهت کمک به یک زندانی

ب: آیا شما مگر مددکار هستید که چنین اقدامی انجام داده‌اید؟ با چه مجوزی؟

م: نخیر مددکار که نیستم. نمی‌دانم چرا چنین حسی در من ایجاد شد.

ب: با توجه به محکومیت قبلی شما که منجر به صدور رأی به میزان ۱۰.۵ سال حبس بوده آیا شما را بیدار ننموده است که این اقدام شما جرم بوده و کلاهبرداری محسوب می‌گردد و شما مجدداً مرتکب آن شده‌اید؟

م: چرا بیدار ننموده ولی اینکه جرم و کلاهبرداری محسوب گردیده اطلاع نداشتم.

۶- **اقتناع:** در فرایند اقتناع اصول زیادی نقش دارند. متهم این پرونده با توجیهاتی مبنی بر اینکه کار صورت گرفته از طرف ایشان کلاهبرداری نبوده و تنها یک درخواست کمک از طرف متهم و یک حرکت انسان دوستانه و خیرخواهانه از طرف شکات بوده است، سعی در رفع اتهام و اقتناع بازجوها و قضات دارد. عبارات و جملاتی از قبیل موارد زیر حاکی از این امر است:

تماس با افراد تقریباً خیر و پولدار، انسان خوب و دست‌به‌خیری است و از لحاظ مالی نیز مشکلی ندارد، جنبه سرگرمی بوده، جنبه سودجویی در آن نبود، یک صحبت صادقانه از طرف من، یک حرکت انسان دوستانه از طرف آن‌ها، کمک گرفتن از یک سری افراد که نیتشان و جنبه کمکشان واقعاً خیر است، زور و اجبار نبوده، مثلاً فلانی دست‌به‌خیر است، یک انسان خیر و با خدا، اینکه جرم و کلاهبرداری محسوب گردیده اطلاع نداشتم.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: اتهام شما دایر بر کلاهبرداری تلفنی داخل زندان می‌باشد. به‌طور دقیق توضیح دهید.

م: همان‌طور که مسئولین حفاظت زندان مرکزی سمنان به‌ویژه جناب آقای ... ریاست حفاظت کل استان در جریان کل قضایا می‌باشند، اتهام این جانب مبنی بر تماس با افراد تقریباً خیر و پول‌دار به این نحو بوده که اولاً تمامی تماس‌های گرفته‌شده از داخل خود زندان و از تلفن کارتی داخل بند بوده. کلاً هر مبلغی که از سوی این افراد با شنیدن حرف‌های من آن‌هم به‌طور تلفنی پرداخت می‌شده به داخل کارت خرید مددجویی خود ندامتگاه مرکزی بوده.

ب: به چه نحوی طعمه خود را انتخاب می‌کردید؟

م: با توجه به اینکه چگونه افرادی که در طول این مدت با آن‌ها تماس می‌گرفتم و از آن‌ها درخواست کمک می‌نمودم، اغلب با معرفی کردن خود زندانیان بوده، به این نحو که یک زندانی پیش من می‌آمد و اظهار می‌کرد که یک نفر هست حالا یا از بستگانش

بوده و یا از آشنایانش که انسان خوبی هست و دست‌به‌خیر است و ازلحاظ مالی نیز مشکلی ندارد و شماره آن را پیدا می‌کرده و به من می‌داد و من نیز با توجه به اینکه اسمی از زندانی نامبرده نمی‌آوردم و تلفنی از خود زندان کمک نقدی دریافت می‌نمودم در داخل همان کارت‌های پاسارگاد زندان که مختص به خود زندان و مددجوی می‌باشد.

۷- سلب اراده از خود: اظهاراتی از قبیل موارد زیر نشان می‌دهد که متهم خود را مسبب جرم نمی‌داند. وی از خود سلب اراده می‌کند و دیگران بالأخص مسئولان را علت و عامل جرم می‌داند:

در طول این مدت بندها تفکیک شد و من نیز چون پاک بوده و هیچ‌گونه موادی مصرف نمی‌کردم و بند پاک و آرام ما یک‌دفعه تبدیل به بند پر از مصرف‌کننده مواد و قرص و متادونی شد و بارها از مسئولین محترم درخواست جابجایی دادم که متأسفانه صورت نگرفت و از آنجاکه مددکاری زندان نیز در پی کمک به این‌جانب نبود و اصلاً برای آن‌ها مهم نبوده همگی این عوامل دست‌به‌دست هم داد، بنا به دلیل فشارهای روحی و روانی و همچنین آزار و اذیت‌های بعضی از زندانیان سابقه‌دار و بعضی دیگر مجبور به تماس گرفتن شدم، کاری که باید خود مددکاری زندان می‌کرد برای زندانیان و نمی‌کرد، من کردم.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: چطور شد که تصمیم گرفتید این کار را انجام دهید؟
م: با توجه به اینکه الآن مدت ۲ سال و نیم می‌باشد که من در ندامتگاه مرکزی سمنان می‌باشم و از آنجاکه هیچ‌گونه ملاقاتی نداشتم و حتی کارت پاسارگاد خرید مددجویی هم به نام خودم نداشتم و در طول این مدت بندها تفکیک شد و من نیز چون پاک بوده و هیچ‌گونه موادی مصرف نمی‌کردم و بند پاک و آرام ما یک‌دفعه تبدیل به بند پر از مصرف‌کننده و قرص و متادونی شد و بارها از مسئولین محترم درخواست جابجایی دادم که متأسفانه صورت نگرفت و از آنجاکه مددکاری زندان نیز در پی کمک به این‌جانب نبود و اصلاً برای آن‌ها مهم نبوده، همگی این عوامل دست‌به‌دست هم داد تا من اوایل جهت کمک به دیگران این کار را انجام بدهم ولی بعد از این خودم هم دوباره شروع به مصرف مواد گردیدم برای من جنبه سرگرمی بوده.

۸- استفاده از بافت مذهبی: متهم با آگاهی از بافت فرهنگی و مذهبی جامعه خود و توجه به اعتقادات و تعصب مردم به احکام و سنت سعی کرده است با بیان واژه‌ها و عباراتی از قبیل الحمدلله، در این ماه مبارک طلب عفو دارم اعتقادات مخاطبان خود را در معرض عمل قرار دهد و با این شگرد نگاه افراد را نسبت به خود تغییر دهد. متهم با استفاده از این شگرد می‌تواند به‌گونه‌ای از خود رفع اتهام کند و جرم صورت گرفته را تنها یک اشتباه کوچک جلوه دهد. متهم با عنایت به مجازات تعزیری^۱ و با استفاده از این اصول سعی می‌کند قضات را به در نظر گرفتن حداقل مجازات متقاعد سازد.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: آیا می‌توانید اسامی زندانیانی که به اظهارات شما از شما این کار را درخواست کرده بودند بیان کنید؟

م: تعدادی از آن‌ها بنا به جریمه‌های مالی که داشتند الحمدلله آزاد شدند و یک سری دیگر با پرداخت مطالبات خود آن جهت خرید مصرف مواد مخدر در زندان با پرداخت آن‌ها دیگر مواد را کار گذاشته و در زندان دارند تحمل کیفری می‌نمایند و یک سری زندانی بی‌ملاقاتی هم هستند که خود من شخصاً در طول این مدت با تمایل خودم به آن‌ها می‌دادم. ق: اتهام شما ... برایتان قرائت گردید. آیا اتهام را قبول دارید؟

م: اتهام را قبول دارم تقاضای عفو و بخشش از دادگاه محترم و شکات دارم. مطلبی خاصی ندارم.

ب: اتهام شما مجدداً دایر بر کلاهبرداری... به شما تفهیم می‌شود. آخرین دفاعتان چیست؟
م: قبول دارم. طلب عفو و بخشش دارم. مطلب خاصی ندارم. در این ماه مبارک درخواست دارم که بنده را عفو بفرمایید.

۹- تهدید غیرمستقیم: تهدید غیرمستقیم نیز یکی از اصول کاربردی کلاهبرداران برای رسیدن به مقصود خود است. متهم با یادآوری اینکه جرم صورت گرفته آبروی سازمان را به خطر می‌اندازد، سعی می‌کند با این هشدار آن‌ها را از ادامه پیگیری مجازات منصرف کند.

نمونه‌ای از دفاعیات متهم:

ب: هرگونه حرف و اظهارات دیگری دارید بیان کنید.

۱- جرائم، اعمال و گناهانی که در شرع برای آن‌ها حد معین نشده است، مشمول مجازات تعزیری می‌شوند.

م: با توجه به اینکه این عمل من بیشتر فراگیر حال من شود و مرا محاکمه کنند به نظرم بیشتر آبروی سازمان زندان‌ها مخصوصاً زندان مرکزی در بین است پس لذا خواهشمندم که قبل از این که این پرونده به دادگاه رفته و فراگیر شود، حتی در روزنامه‌های انسان خود شما شخصاً با هماهنگی اداره آگاهی حل و فصل نموده و با توجه به اینکه شاکی هم ظاهراً در بین نیست و شاکی هم پشت این پرونده نمی‌باشد.

۴-۲-۲- ویژگی‌های زبانی متهم در برابر شکات

در این پرونده، فرد زندانی از طریق تماس تلفنی کلاهبرداری می‌کند و از طرف دیگر برای انجام این عمل نیاز به کارت‌های مددجویی متفاوتی دارد؛ از این رو، با توجه به بافت موجود، ویژگی‌های زبانی وی را هم در مقابل شاکیان اصلی و هم در مقابل افرادی که کارت مددجویی خود را در اختیار وی قرار می‌دهند^۱، بررسی می‌کنیم.

۴-۲-۲-۱- ویژگی‌های زبانی متهم در برابر شکات اصلی

۱- داشتن دانش پس‌زمینه‌ای در حوزه مورد نظر کلاهبرداری: با بررسی شکایت شکات معلوم می‌شود که یکی از مهم‌ترین ابزارهای متهم برای اقناع شکات این است که متهم اطلاعات هویتی افراد را تا حد امکان به دست می‌آورد. اطلاعات شخصی و هویتی افراد جزو دانش بینافردی است. دانش بینافردی زیرمجموعه دانش پس‌زمینه‌ای و دانش ویژه و خصوصی در مورد گوینده‌هایی است که در تعامل مشارکت دارند. داشتن اطلاعات خانوادگی از قبیل اسم و فامیل دقیق شاکی، اسم پدر شاکی، شرایط شغلی و مالی شاکی و معرفی خود به عنوان آقای ... (فردی از کارمندان زندان) و معرفی خود در مجموعه حمایت از زندانیان دانش بینافردی لازم را برای ادامه بحث و گفتگو فراهم می‌کند. می‌توان گفت ادامه گفتگو بدون دانش بینافردی، آن هم از طریق ارتباط تلفنی تقریباً غیرممکن است. متهم به‌طور ناخودآگاه به اهمیت داشتن این دانش برای ارتباط واقف است و به همین دلیل اطلاعات شخصی مورد نیاز را به دست می‌آورد و بعد از این مسئله به تماس تلفنی اقدام می‌کند.

۱- به‌منظور ارجاع درست در این بخش، افرادی را که کارت مددجویی خود را در اختیار متهم قرار می‌دادند، به‌عنوان شاکیان فرعی معرفی می‌کنیم. این ارجاع چندان هم بی‌ربط نیست؛ چرا که در کلاهبرداری‌های آخر، این افراد به‌نوعی متهم به کلاهبرداری شدند که با بررسی‌های بیشتر مشخص شد که این افراد فقط طعمه بوده‌اند.

۲- رعایت اصل ادب و احترام: طبق اظهارات شاکیان و مطلعان پرونده که در پرونده موجود است و خلاصه‌ای از سخنان متهم از زبان آن‌ها نقل شده است، به‌روشنی رعایت اصل ادب در برابر شاکیان پیداست و متهم در تمامی مراحل کلاهبرداری محترمانه با شکات صحبت می‌کند. هیچ نکته‌ای دال بر بی‌احترامی و بی‌ادبی از متهم در مقابل شکات وجود ندارد. می‌توان نتیجه گرفت رعایت اصل ادب جزو ارکان مهم در فرآیند کلاهبرداری است. متهم نمی‌تواند بدون رعایت این اصل به کلاهبرداری و رسیدن نتیجه مطلوب (بردن مال مالباختگان) برسد. متهم برای رسیدن به هدف خود (عنصر سوم کلاهبرداری: بردن مال مالباختگان)، با رعایت اصل ادب در مواردی از قبیل خوش‌وبش‌های اولیه با شکات، گفتار محکم و استوار، کاربرد ضمائم جمع و افعال جمع، مثل هرچقدر در توان شماست، ... هستم از زندان سمنان مزاحمتان می‌شوم،... در جهت اغفال و اقناع شاکی (عنصر دوم کلاهبرداری: اغفال مالباختگان) گام برمی‌دارد.

۳- امید واهی دادن: در مواردی که شکات اظهار ناتوانی در ارائه کمک دارند، متهم با وعده‌های واهی و پوچ از قبیل موارد زیر توانست شاکی را به واریز پول قانع کند: قول دادن مبنی بر برگرداندن پول ظرف یک هفته بعد، برای مثال: فرد زندانی موردنظر که خانم است، مقداری طلا به‌عنوان امانت نزد مجموعه حمایت می‌گذارد و مبلغی را ما تأمین می‌کنیم تا پس از چند روز که این خانم توانست در زمان آزادی پول را تأمین و امانت خویش را بازستاند، پول را به ما برگردانده و ما پول را به شما برمی‌گردانیم و در مورد دیگری که برای آزادی همسر خود تماس می‌گیرد، گفت که حدود ۴ روز دیگر پول را به شما عودت می‌دهم اگر شکی دارید طلاجات را به امانت می‌گذارم. بیاناتی از این قبیل شاکی را امیدوار می‌کند که با انجام این کار هم توانسته است مشکلی از دیگران حل کند و هم به پول خود خواهد رسید.

۴- عملکرد دلسوزانه: تأثیر بافت و موقعیت وقوع کلاهبرداری در اغفال افراد بی‌تأثیر نیست. تماس از زندان و معرفی خود به‌عنوان شخصی از مسئولان و مجموعه حمایت از زندانیان، شماره تماس دریافتی شاکی که اعلام می‌کند از زندان است و همچنین شماره حساب‌های ارائه‌شده که به نام مددجویان زندان است، مختصر شک اولیه شکات را برطرف می‌کند. نمونه چنین تماس‌هایی از ادارات مختلف برای دریافت کمک‌های مردمی در جهت حل مشکل نیازمندان امری کاملاً طبیعی است؛ اما با این حال متهم با معرفی خود به‌عنوان انسانی مسئول برای حل مشکلات زندانیان و سرهم کردن داستان‌هایی از شرایط شخصی زندانیان از قبیل

موارد زیر، خود را انسانی دلسوز و مسئول حل مشکلات زندانیان نشان می‌دهد. تأثیر این داستان‌ها می‌تواند چندین برابر حالتی باشد که فرد خود را فقط عضو مجموعه حمایت از زندانیان معرفی کند و طلب کمک کند. بیان این داستان‌ها هم نشان از دغدغه عمیق گوینده است و هم حس انسان‌دوستانه افراد را برمی‌انگیزاند؛ به‌عنوان مثال: برای آزادی خانم تبهکاری که از اصفهان به زندان سمنان آمده است و طفل تنهایی داشته، برای آزادی دو زندانی یک میلیون تومان نیاز است که ۸۰۰ تومان آن جمع شده و فقط ۲۰۰ تومان کم داریم، فرد زندانی به دلیل مشکل مالی گرفتار زندان شده و شخصیت خوبی دارد و افراد خیر بسیاری در تأمین مشکل وی که ۹.۷۰۰.۰۰۰ تومان است کمک کرده‌اند و اقدامات اصلی انجام گرفته و حدود ۵۰۰ هزار تومان کمبود وجود دارد که متوسل به افراد برای تأمین شده‌ایم، خانمی خانواده‌دار دچار مشکل مشابهی (مشکلات مالی) است و این بار مقداری طلا به‌عنوان امانت نزد مجموعه حمایت می‌گذارد و مبلغی را ما تأمین می‌کنیم تا پس از چند روز که این خانم توانست در زمان آزادی پول را تأمین و امانت خویش را بازستاند پول را به ما برگرداند.

۵- سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی و حس انسان‌دوستانه افراد: کل این پرونده در بافت جامعه مذهبی، خیر و انسان‌دوستانه اتفاق افتاده است. اگر اعتقادات مذهبی و حس انسان‌دوستانه افراد را کنار بگذاریم، این نوع کلاهبرداری اتفاق نمی‌افتاد. تمامی اظهارات متهم چه در مقابل مراجع قضایی، چه در مقابل شکات و همچنین اظهارات شکات مبنی بر نحوه اغفال حاکی از سوءاستفاده از همین بعد مذهبی و انسان‌دوستانه آن‌هاست. می‌توان گفت که در جوامعی با بافت مذهبی، یکی از شگردهای کلاهبرداری و فریب افراد، تمرکز بر همین اعتقادات و حس انسان‌دوستانه مردم است. در مقابل شیوه اقناع و فریب خوردن افراد هم همین مسئله است. در این جوامع افراد مذهبی و دلسوز زمانی که احساس کنند انجام‌دادن کاری، به اعتقادشان ضربه وارد خواهد کرد، راحت‌تر فریب می‌خورند و آن کار را انجام می‌دهند. نکته حائز اهمیت این است که در جوامعی که نگاه جنسیتی دارند و زنان و مردان را از لحاظ توانایی‌های اقتصادی برابر نمی‌دانند یعنی زنان را انسان‌های متکی به اقتصاد و حمایت مردان می‌دانند، از بعد جنسیت راحت‌تر فریب می‌خورند. ناگفته پیداست که جامعه ما هم چنین بافتی دارد و نگاه افراد به مردان و زنان و کودکان برابر نیست. زمانی که بحث حل مشکل یک زن یا کودک به میان بیاید، حس انسان‌دوستانه، ترحم و دلسوزی دو برابری نسبت به حل

مشکل یک مرد را در پی دارد. اطلاعاتی از این قبیل در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، اطلاعاتی هستند که بیشتر مردم در مورد زندگی خود دارند (کاتینگ، ۲۰۰۲: ۳-۹). متهم این پرونده نیز با علم به این دانش ناخودآگاه فرهنگی و به‌کارگیری آن در مقابل شکات در قالب بیان مشکلاتی از زنان زندانی توجه مخاطب خود را جلب کرده و با زیرسؤال بردن احساسات افراد توانسته است تا آن‌ها را قانع به واریز پول کند و فریب دهد. استفاده از عباراتی همچون مادر بودن زندانی، غریبه بودن زندانی، برایتان دعا می‌کند، یک دعا از ته دل شما برای این زندانی کمک است، نمونه‌ای از عبارات بکار گرفته در مقابل شکات بوده است.

۴-۲-۲- ویژگی‌های زبانی متهم در برابر شکات فرعی

۱- **توجه به بافت موقعیتی:** بافت موقعیت موجود در زندان و بین زندانیان است و متهم با سوءاستفاده از شرایط زندانیان و توجه به این مسئله که همه زندانیان با هر نوع جرم و شرایطی نیاز به کمک مالی دارند، به آن‌ها در هزینه خوراک کمک می‌کند. وی محبت آن‌ها را به خود جلب می‌کند و از این طریق اطلاعات افراد خیر را به دست می‌آورد. نکته بعدی این است که متهم، زندانیان تازه‌وارد را که شرایط نسبتاً سختی برای پذیرش زندان دارند و در پی راه چاره خلاصی از زندان و پرداخت جریمه خود هستند، طعمه قرار می‌دهد و با بحث و گفتگو در مورد جستجوی افراد خیر مبنی بر حل مشکلاتشان توانسته اطلاعات موردنیاز خود را به دست آورد.

۲- **رعایت اصل ادب:** با توجه به اظهارات دیگر زندانیان، نکته قابل توجهی در ارتباط با متهم مبنی بر بی‌ادبی مشاهده نشد و تمامی اظهارات بر روابط و هم‌نشینی متهم با دیگر زندانیان مبتنی بوده است. رعایت این اصل جزو اصول ثابت فریب است. اگر فرد کلاهبردار نتواند این اصل را رعایت کند، مخاطبی برایش باقی نمی‌ماند که بتواند وی را فریب دهد.

۳- **محبت و عملکرد دوستانه:** متهم با انجام مجموعه‌ای از کارها از قبیل موارد زیر محبت و مهربانی خود را به دیگران نشان می‌دهد. افراد وی را همچون یک حامی برای خود می‌دانند و در مقابل عملکردهای دوستانه وی نمی‌توانند برای درخواست کارت مددجویی به وی نه بگویند. متهم به همه وانمود کرده است که دایی و مادرش مرتب برایش پول واریز می‌کنند که برای هم‌بندهایش خرید می‌کند و اگر دیگران به ایشان کارت ندهند، در حقیقت خود را از خرید ایشان بی‌بهره می‌کنند. مواردی از این قبیل حاکی از این مسئله است: پرداخت پول متادون،

خرید سیگار، خرید خوراکی از هر نوعی، خرید تنقلات و انواع نوشیدنی، خرید لباس گرم، دعوت دیگران سر میز صبحانه و ناهار و شام.

۴-۲-۳- ویژگی‌های رفتاری متهم در برابر شکات

از آنجایی که این نوع کلاهبرداری تلفنی انجام شده است، نمی‌توان رفتار متهم را در مقابل شاکیان اصلی توصیف کرد؛ اما می‌توان به موارد اشاره شده در عملکرد دوستانه متهم در مقابل شکات فرعی به‌عنوان رفتار متهم اشاره کرد.

۵- نتیجه

یک شخص کلاهبردار برای ارتکاب جرم خود در بخش‌های زیادی از زبان به‌عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. درحالی‌که در جرم‌هایی همانند سرقت، استفاده از زبان به‌عنوان یک ابزار ضروری نیاز نیست. بدیهی است فردی که در ارتکاب جرم از زبان بهره می‌گیرد باید به آن گفتمان (ساخت‌های زبانی و ساخت‌های غیرزبانی) مسلط و یا حداقل آشنا باشد. البته نوع کلاهبرداری در میزان استفاده از زبان مؤثر است و نمی‌توان به‌صورت مطلق چارچوب خاصی برای این جرم به دست داد. متغیرهای فراوانی می‌تواند در وقوع این جرم نقش داشته باشد. فرد کلاهبردار با توجه به موقعیت فیزیکی و گفتمانی از میان ابزارهای مختلف تعدادی را انتخاب می‌کند و به‌کار می‌گیرد. به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که ویژگی‌های زبانی متهمان کلاهبرداری یک پیوستار را تشکیل می‌دهد که متهم با توجه به بافت موقعیت و پیچیدگی نوع کلاهبرداری، طیف‌های متناسب با بافت موقعیت را از این پیوستار در جهت یک دفاع مطلوب برگزیده و بکار می‌برد. برای مثال متهم پرونده دوم کلاهبرداری نسبت به متهم پرونده اول کلاهبرداری از متغیرهای بیشتری برای متقاعدسازی مراجع قضایی استفاده کرده است. به‌طور کلی می‌توان داشتن دانش پس‌زمینه‌ای و رعایت اصل ادب را جزو اصول اساسی و لاینفک کلاهبرداری در نظر گرفت. متهمان کلاهبرداری از این دو اصل هم در مقابل مراجع قضایی استفاده می‌کنند و هم در مقابل قربانیان کلاهبرداری. متغیرهای دیگری که متهمان کلاهبرداری در دفاعیات خود در دادگاه بکار می‌برند عبارتند از ارجاعات مبهم، اصل توجیه کردن (ارجاع به یک واقعیت برای پنهان‌سازی دروغ یا اصل برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی)، هم

قطعیت (جهت اطمینان بخشی و رفع شک مراجع قضایی) و هم عدم قطعیت در کلام (عبارات احتیاط‌آمیز در جهت رعایت اصل کیفیت در کلام)، شیوه‌های مختلف اقناع‌سازی، سلب اراده از خود، استفاده از بافت مذهبی (برای تخفیف در مجازات) و تهدید غیرمستقیم. علاوه بر داشتن دانش پس‌زمینه‌ای در حوزه موردنظر کلاهدرداری و رعایت اصل ادب در مقابل قربانیان، متهمان کلاهدرداری از شگردهایی از قبیل امید واهی دادن، عملکرد دلسوزانه، سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی و حس انسان دوستانه افراد در حین متقاعدسازی مخاطب حین ارتکاب کلاهدرداری استفاده می‌نمایند. از تجزیه و تحلیل داده‌ها این‌گونه حاصل می‌شود که متهمان کلاهدرداری بایستی از شیوه‌های مختلف اقناع‌سازی برای متقاعدسازی مخاطب استفاده کنند و همچنین در بافت موقعیتی خاص خود از قطعیت کلام (برای جذب مخاطب) و تهدید غیرمستقیم (برای ترساندن مخاطب) استفاده خواهند کرد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۲۲۵-۲۱۵.
- بیابانی، غلامحسین و سیدکمال هادیان‌فر (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی علوم جنایی. تهران: نشر تأویل.
- تقی‌پور، مرجان (۱۳۹۴). «روش‌های اقناع و کلا در دادگاه‌های کیفری از بعد زبان‌شناسی حقوقی». مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. تهران: نشر نویسه پارس.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵). حقوق کیفری اختصاصی؛ جرائم علیه اموال و مالکیت. تهران: انتشارات ویستار.
- عزیزی، سیروس (۱۳۸۹). نقش راهبردهای کاربردشناسی زبان در کشف جرم: رویکرد زبان‌شناسی حقوقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

عزیزی، سیروس و نگار مؤمنی (۱۳۹۱). زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

مؤمنی، نگار (۱۳۹۰). تحلیل زبان‌شناختی جرائم زبانی در جامعه فارسی‌زبان ایران، رویکرد زبان‌شناسی حقوقی (قانونی). رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

کیا، علی‌اصغر و رحمان سعیدی (۱۳۸۳). مبانی ارتباط، تبلیغ و اقناع. تهران: انتشارات ایران. وان دایک، تئون. ای. (۱۳۷۸). مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی؛ ترجمه‌ی پیروز ایزدی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Cutting, J. (2002). *Pragmatics and Discourse*. London and New York: Routledge.

Egginton, W, G. (2008). "Deception and Fraud". In *Dimensions of forensic linguistics*, J. Gibbons & M. T. Turell (Eds.), Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins, 249-264.

Fairclough, N. (1993). "Critical Discourse Analysis and the Marketization of public Discourse." *The universities discourse and society* 4(2), 133-168.

Halmari, H. & T. Virtanen (2005). *Persuasion across Genres: A linguistic approach*. Philadelphia, John Benjamins.

Momeni, N. (2012). "Fraud in Judicial System as a Language Crime: Forensic Linguistics Approach". *Theory and Practice in Language Studies*. Vol. 2, No. 6: 1263-1269.

Porter, S. D. & J. C. Yuille (1996). "The Language of Deceit: An Investigation of the Verbal Clues to Deception in the Interrogation Context". *Law and Human Behavior*, 30, 443-458.

Prince, E. F. (1990). "On the Use of Social Conversation as Evidence in a Court of law". *Language in the Judicial Press*, J. N. Levi & A.G.Walker (Eds.), New York: Plenum Press: 279-289.

Toolan, M. (2009). "Legal definitions". *Language and Communication*. Vol. 29: 182-192.

Yule, G. (1996). *Pragmatics*. 2nd. Ed., Oxford: Oxford University Press.